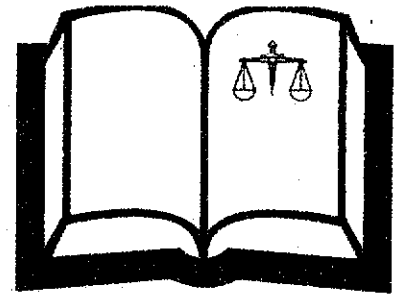
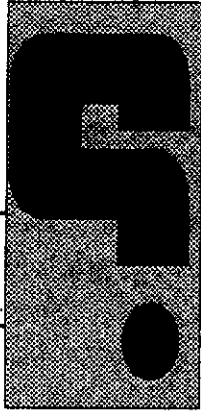


## استعلامات قضائی



### کیفری

دادگاه مجاز نیست هم مجازات جرم ارتكابی را به کمتر از حداقل تخفیف دهد و هم مجازات اخیر را به مجازات از نوع دیگر تبدیل نماید. (۱)

○ سؤال: با توجه به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، آیا دادگاه می‌تواند ابتدا مجازات را به کمتر از حداقل قانونی تعیین نموده و سپس آن را به نوع دیگر تبدیل نماید؟ به عبارت دیگر اعمال دوبار تخفیف مجازات مقدور می‌باشد؟

● جواب: طبق مفاد ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی دادگاه فقط می‌تواند مجازات را تخفیف دهد یا تبدیل به مجازات دیگر که علی‌القاعده باید خفیف‌تر باشد بنماید لذا دادگاه مجاز نیست هم مجازات جرم ارتكابی را به کمتر از حداقل تخفیف دهد و هم مجازات اخیر را به مجازات از نوع دیگر تبدیل نماید.

ملاک تخفیف مجازات جرم ارتكابی، همان جهات قانونی تخفیف مجازات است. (۲)

○ سؤال: برای اعمال مقررات تخفیف مجازات، آیا دادگاه می‌تواند بدو متهم را به حبس محکوم نماید سپس مقررات تخفیف را در مورد او اعمال نماید و ملاک تخفیف مجازات چیست؟

● جواب: طبق مفاد ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی دادگاه فقط می‌تواند مجازات را تخفیف دهد یا تبدیل به مجازات دیگر که بحال متهم مناسب‌تر باشد بنماید. بنابراین دادگاه مجاز نیست در یک حکم مجازات جرم ارتكابی را بدو به حبس معین و سپس مجازات اخیر را با اعمال جهات تخفیف به مجازات از نوع دیگر تبدیل نماید. جهات تخفیف در ذیل ماده ۲۲ ذکر شده است و دادگاه در تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی بایستی همان جهات را ملاک و مبنی قرار دهد، و در تعیین میزان جزای نقدی نیز دادگاه با توجه به همان جهات و اقتضای مورد اتخاذ تصمیم کند.

معامله اموال مسروقه غیر قابل گذشت است. (۳)

○ سؤال: آیا معامله اموال مسروقه قابل گذشت است و با گذشت شاکی خصوصی تعقیب و محاکمه موقوف می‌شود یا خیر؟  
● جواب: با عنایت به متن ماده ۱۱۰ قانون تعزیرات ظاهراً جنبه عمومی معامله اموال مسروقه غلبه دارد و این جرم را نمی‌تواند از مصادیق حق الناس صرف تلقی کرد.

شروع به جرم اگر برای آن مجازات تعیین شده باشد یا آن مقدار عمل انجام شده فی نفسه جرم باشد قابل تعقیب و مجازات است. (۴)

○ سؤال: با توجه به ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی شروع به جرم در چه صورتی قابل تعقیب و مجازات است؟

● جواب: با توجه به ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی شروع بجرم در دو صورت قابل تعقیب و مجازات است.

الف- در صورتیکه آن مقدار از عمل انجام شده فی نفسه جرم باشد.

ب- در صورتی که در قانونی برای شروع به آن جرم بخصوص مجازاتی تعیین

شده باشد مانند شروع به کلاهبرداری و در سایر موارد برای شروع بجرم نمی‌تواند مجازاتی تعیین نمود.

**ماده ۲۷۴ قانون آئین دادرسی غیرقابل اجراست.** (۵)

**○ سؤال:** آیا مفاد ماده ۲۷۴ قانون آئین دادرسی کیفری به قوت خود باقی است یا با تصویب قوانین موخر نسخ گردیده است؟ در صورتی که دارای اعتبار و قابل اجرا است حدود شمول آن با عنایت به تشکیلات فعلی دادگستری و صلاحیتهای آن چگونه خواهد بود.

**○ جواب:** ماده ۲۷۴ قانون آئین دادرسی کیفری از قواعد خاصه دادگاههای بخش بوده که با حذف دادگاههای مذکور، ماده قانونی مزبور موضوعاً منتفی و غیرقابل اجراست و همانطور که در رأی وحدت رویه شماره ۵۲۵-۶۸/۱/۲۹-هیأت عمومی دیوان عالی کشور هم تصریح شده است ماده ۸ قانون آئین دادرسی کیفری اصرار قرار موقوفی تعقیب کیفری را با شرایط خاصی تجویز کرده است بنابراین عدم حضور شاکی، پس از طرح شکایت، گذشت تلفی نمی‌شود.

**مجازات معاون جرم در مجازاتهای فاقد حداقل.** (۶)

**○ سؤال:** با عنایت به ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵/۳/۲ که مقرر می‌دارد: هرکسی در جرائم تعزیری معاونت نماید، حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می‌شود حال در صورتی که حداقل مجازات برای جرمی مقرر نشده باشد جهت تعیین مجازات معادل چه باید کرد بعنوان مثال مواردی که مجازات جرمی تا ۲۰۰ هزار ریال، تا ۷۴ ضربه شلاق انفصال دائم از خدمات دولتی، حبس ابد، مصادره اموال است؟

**○ جواب:** اولاً در مواردی که مجازات مثلاً تا دوست هزار ریال یا تا ۷۴ ضربه شلاق تعیین شده است، حداقل وجود دارد (مثلاً حداقل شلاق در مورد مذکور یک ضربه است) و این ..... از فرض مجازات فاقد حداقل خارج است، ثانیاً در مواردی که حداقل در قانون مقرر نگردیده است مانند حبس ابد و انفصال دائم با توجه به روح قانون و اینکه مقنن خواسته است که نسبت به معاون جرم تخفیف قائل شود دادگاه در اینگونه موارد باید مجازات معاون جرم را که همان مجازات مباشر است با رعایت مقررات مربوطه تخفیف دهد.

**حداقل نفقات شرکت کننده در منازعه** ۳ نفر است. (۷)

**○ سؤال:** در خصوص ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مقصود قانونگذار از کلمه عده‌ای چیست؟ حداقل نفقات شرکت کننده در منازعه چه تعدادی باید باشد تا مصداق این ماده باشد.

**○ جواب:** منظور از عده‌ای در ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ سه نفر یا بیشتر است.

**نحوه پرداخت دیه در منازعه بنحو تساوی است.** (۸)

**○ سؤال:** چنانچه در تحقیقات فرد ضارب یا قاتل معلوم نگردد پرداخت دیه یا انجام قصاص چگونه خواهد بود آیا می‌توان از طریق قرعه حل مشکل نمود؟

**○ جواب:** چنانچه قتل یا ضرب و جرح در اثناء منازعه رخ داده باشد و قاتل یا ضارب مشخص نباشد موضوع حسب مورد منطبق است با یکی از شقوق ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی به عبارت دیگر چنانچه شرکت سه نفر یا بیشتر در منازعه منتهی به فوت یا ضرب و جرح محرز ولی نوع ضرب و جرح وارده از ناحیه هر کدام مشخصاً معلوم نباشد طبق مستفاد از ملاک مواد ۲۱۲-۲۱۵-۲۶۵.

قانون مجازات اسلامی حکم به پرداخت دیه بنحو تساوی صادر می‌گردد.

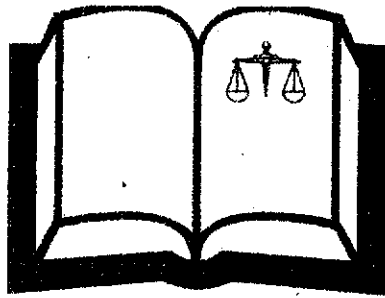
**شرط اقدام افراد بسیجی در مقام ضابط قوه قضائیه طی دوره آموزشی و داشتن مجوز است.** (۹)

**○ سؤال:** آیا دیدن دوره آموزشی و داشتن مجوز برای افراد بسیجی که در مقام ضابط قوه قضائیه اقدام می‌کنند ضروری است؟  
**○ جواب:** با توجه به تبصره ماده آئین نامه اجرائی قانون حمایت قضائی از بسیج که در تاریخ سی‌ام خردادماه سال یکهزار و سیصد و هفتاد و دو به تصویب فرماندهی محترم کل قوا رسیده گذراندن دوره آموزشی لازم به تشخیص رده بالای بسیج و داشتن مجوز برای افراد این نیرو ضروری است.

**کلیه ضابطین دادگستری مکلف به اجرای دستور مقامات قضائی می‌باشند و تخلف از آن قابل تعقیب و مجازات در محاکم عمومی است.** (۱۰)

**○ سؤال:** اگر مأمورین انتظامی در اجرای دستور مقامات قضائی کوتاهی نموده و یا آنرا اجرا ننمایند آیا محاکم نظامی و یا دادگاههای عمومی صالح به رسیدگی به این امر می‌باشند.

**○ جواب:** وظائف ضابطین دادگستری بطور مشروح در مواد ۲۰ الی ۲۷ آئین دادرسی کیفری بیان شده است و بر آن اساس مأمورین انتظامی مکلف به انجام دستورات مقامات قضائی هستند و در صورتیکه به وظائف و تکالیف قانونی خود عمل نمایند طبق قسمت اخیر ماده ۱۹ قانون آئین دادرسی کیفری به علت عدم انجام دستور مقامات قضائی قابل تعقیب و مجازات می‌باشند و تخلف مأمورین انتظامی از دستورات مقامات مذکور در مقام ضابطین دادگستری جرم نظامی محسوب نمی‌گردد تا مسأله صلاحیت مطرح شود.



## حقوقی

نظارت بر زندان اعم از عمومی و انقلاب  
بر عهده رئیس دادگستری است. (۱۵)

○ سؤال: امر نظارت بر زندانیان دادگاه  
انقلاب از وظائف کیست؟

● جواب: امر نظارت بر زندان و زندانیان بعهدہ دادستان عمومی محل بوده و چون دادسرا از تشکیلات قضائی کشور حذف شده وظائف دادستان عمومی بموجب تبصره ذیل ماده ۱۲ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب به رئیس دادگستری شهرستان و استان محول شده است بنابراین نظارت بر زندان جزء وظائف رئیس دادگستری محسوب می شود و در ماده ۱۴ آئین نامه اجرائی قانون فوق الاشعار نیز به همین نحو تعیین تکلیف شده است.

تخلیه خانه های سازمان به عهده  
رئیس دادگستری است. (۱۶)

○ سؤال: با توجه به اجرای قانون دادگاههای عمومی و انقلاب، تخلیه خانه های سازمانی که طبق آئین نامه های مربوطه در اختیار و به حکم و دستور دادستان بوده بر عهده چه مقامی است.

● جواب: با حذف دادرسی عمومی و اجراء قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، اجرای مقررات قانون جلوگیری از تصرف عدوانی مصوب سال ۵۲ به عهده دادگاه عمومی است و اجرای مقررات مربوط به قانون نحوه تخلیه خانه های سازمانی نیروهای مسلح و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۵/۶ و ماده ۱۵ از آئین نامه مربوط به شرایط و طرز استفاده از خانه های سازمانی مصوب ۱۳۶۳ بعهدہ رئیس دادگستری می باشد.

ماده ۴ و مجازاتهای اصلی پرسنل ثابت نیروهای مسلح که مرتکب فرار یا فراری محسوب می شوند در مادتين ۳۸ و ۴۳ قانون آزمایشی مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۸، مجازات اخراج مقرر در تبصره ذیل ماده ۹۶ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۷/۷، مادام که قانون آزمایشی فوق الذکر معتبر و لازم الاجراست، قابلیت اجرائی ندارد.

بزه فرار از خدمت نظام فائد جنبه  
استمرار است. (۱۳)

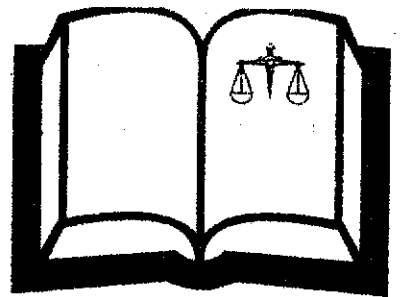
○ سؤال: آیا بزه فرار از خدمت از جرائم  
مستمر یا غیر مستمر و آنی است؟

● جواب: چون با خروج غیر قانونی نظامی از مراکز و پادگانهای نظامی و یا محل های تعیین شده و عدم بازگشت به موقع، جرم فرار از خدمت محقق می گردد و لذا بزه فرار از خدمت دارای خصیصه استمراری نیست.

مامورین شهرکهای نظامی ضابطین  
دادگستری محسوب نمی شوند. (۱۴)

○ سؤال: آیا واحدهای بازرسی و  
انتظامی شهرکهای نظامی ضابط دادگستری  
محسوب می شوند؟

● جواب: ضابطین دادگستری عبارتند از کمیسرهای پلیس و قائم مقام آنها یا کسانی هستند که به موجب قانون خاص ضابط دادگستری شناخته شده باشند و وظائفی که از لحاظ ضابط دادگستری بعهدہ مأمورین پلیس گذاشته شده است در فصل دوم قانون آئین دادرسی کیفری تحت عنوان (تکالیف کمیسرهای پلیس و قائم مقام آنها از حیثی که ضابط عدلیه محسوبند) مشخص شده است لذا واحد بازرسی و انتظامی شهرکهای نظامی ضابط دادگستری محسوب نمی شوند.



## نظامی

عدم ارائه اوراق و اسناد به مقامات قضائی نظامی  
قابل تعقیب کیفری است. (۱۱)

○ سؤال: آیا عدم ارائه اسناد به مقامات  
قضائی نظامی قابل تعقیب کیفری است یا  
خیر؟ و به عبارت دیگر آیا ماده ۱۰۱ قانون  
آئین دادرسی کیفری در دادرسیها و  
دادگاههای نظامی قابل اعمال است. یا خیر؟  
و انفصال مذکور در ماده مذکور مجازات  
کیفری یا تخلف اداری است؟

● جواب: با توجه به اینکه روش رسیدگی در مراجع نظامی همان است که در قانون آئین دادرسی کیفری آمده شده است ماده ۱۰۱ قانون آئین دادرسی کیفری نیز در همان سازمان قابل اعمال و اجراست معینا با توجه به اینکه انفصال موقت موضوع ماده ۱۰۱ قانون آئین دادرسی کیفری مجازات تلقی می گردد لذا رسیدگی به موضوع و احراز قضیه تا صدور حکم بر انفصال با لحاظ اینکه امتناع از تحویل یا ارائه اسناد جزو وظائف خاص نظامی یا انتظامی نیست با مراجع قضائی عمومی خواهد بود.

فرار از خدمت کادر ثابت و مجازات تبعی  
اخراج از خدمت بلحاظ آن. (۱۲)

○ سؤال: در مورد فرار از خدمت  
پرسنل کادر ثابت نظامی آیا تبصره ذیل ماده  
۹۶ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران قابل  
اعمال است؟

● جواب: با توجه به مجازات تبعی  
اخراج از خدمت در نیروهای مسلح مقرر در

فقط به طرفیت خواننده دعوی اصلی  
اقامه می‌شود. (۱۷)

○ سؤال: آیا در دعوی اعمار که طبق ماده ۶۹۷ قانون آئین دادرسی مدنی به طرفیت دادستان و در دادگاههای بخش سابق بطرفیت مدیر دفتر دادگاه با سمت نمایندگی دادستان اقامه می‌شود، با عنایت به اجراء قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب فعلاً به طرفیت چه کسی یا کسانی بایستی اقامه شود؟

● جواب: با التفات به ماده ۱۲ و تبصره ذیل آن از قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب کلیه اختیارات دادستان در قوانین موجود به رئیس دادگستری محول گردیده طرح دعوی بطرفیت دادستان موضوع ماده ۶۹۷ قانون آئین دادرسی مدنی در باب اعمار از هزینه دادرسی از جمله اختیارات دادستان محسوب نمی‌گردد بلکه دعوت دادستان به منظور حفظ حقوق دولت در مورد هزینه دادرسی است بنابراین با حذف دادستان در قانون جدید التصویب طرح دعوی بطرفیت خواننده با رعایت مقررات مواد ۶۹۸-۶۹۹ قانون آئین دادرسی مدنی کافی می‌باشد.

پی‌نوشت

- ۱- شماره و تاریخ نظریه ۷/۲۸۷۴-۷/۲۷/۵۱۳۳
- ۲- شماره تاریخ نظریه ۷/۵۶۹۹-۷/۲۵/۱۳۳۳
- ۳- شماره و تاریخ نظریه ۷/۱۸۴-۷/۱۵/۱۳۷۲
- ۴- شماره و تاریخ نظریه ۷/۸۰۶۶-۷/۱۷/۱۳۷۲
- ۵- شماره و تاریخ نظریه ۷/۱۸۹۱-۷/۲۸/۱۳۷۶
- ۶- شماره و تاریخ نظریه ۷/۲۲۵۴-۷/۱۲/۱۳۷۵
- ۷- شماره و تاریخ نظریه ۷/۳۵۵۳-۷/۱۸/۱۳۷۵
- ۸- شماره و تاریخ نظریه ۷/۳۵۵۳-۷/۱۸/۱۳۷۵
- ۹- شماره و تاریخ نظریه ۷/۱۱۸۲-۷/۱۴/۱۳۷۲
- ۱۰- شماره و تاریخ نظریه ۷/۵۰۹۸-۷/۸/۱۳۷۲
- ۱۱- شماره و تاریخ نظریه ۷/۲۴۴۶-۷/۸/۱۳۷۲
- ۱۲- شماره و تاریخ نظریه ۷/۱۷۳۲-۷/۵/۱۳۷۲
- ۱۳- شماره و تاریخ نظریه ۷/۲۴۵۴-۷/۹/۱۳۷۲
- ۱۴- شماره و تاریخ نظریه ۷/۲۲۰۲-۷/۵/۱۳۷۲
- ۱۵- شماره و تاریخ نظریه ۷/۸۱۵۲-۷/۱۲/۱۳۷۲
- ۱۶- شماره و تاریخ نظریه ۷/۸۴۷۵-۷/۱۲/۱۳۷۲
- ۱۷- شماره و تاریخ نظریه ۷/۸۳۱۰-۷/۲۱/۱۳۷۲

در پی درج استعلام شماره ۷/۲۷۱۴ مورخه ۱۳۷۳/۸/۱۶ اداره حقوقی در خصوص صلاحیت رسیدگی به جرائم سرقتی در ماهنامه شماره ۵ و ۶، مدیرکل دفتر پیگیری و تحقیقات ویژه سازمان با ارسال تفسیری استفساریه جدید سازمان از مجمع تشخیص مصلحت نظام و نظریه مجمع در مورخه ۷۶/۶/۲ را به دفتر محله ارسال داشته است که ضمن تشکر از دقت نظر ایشان همین نامه جهت اطلاع خوانندگان محترم درج می‌شود.

احتراماً، در خصوص پاسخ به سؤالی که در صفحه استعلامات قضائی شماره پنجم و هشتم ماهنامه بنگر سراسری (صفحه ۷۶) با عنوان "صلاحیت رسیدگی به جرائم سرقتی دوم آمده است، شوجه جنابعالی را به نکات ذیل جلب می‌نمایم:

۱- در ماده ۳ قانون تعیین حدود صلاحیت دادسراها و دادگاههای نظامی کشور مصوب ۱۳۳۳/۵/۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام چنین آمده است:

"کلیه جرائم نظامیان دارای درجه سرتیپی و بالاتر بر مراجع قضائی ذی‌ربط در تهران رسیدگی می‌شود.

نظر به اینکه بعضی از قضات عقیده دارند که نظامیان دارای درجه سرتیپ دومی از شمول این ماده مستثنی می‌باشند، لذا جهت روشن شدن موضوع استفساریه‌ای از مجمع تشخیص مصلحت نظام بعمل آمد که مجمع مذکور نظر خود را بصورت ماده واحده‌ای در جلسه روز پنجشنبه مورخه ۱۳۷۶/۶/۲ به شرح ذیل تصویب و اعلام نموده است:

"کلیه نظامیان دارای درجه سرتیپ دومی که شاغل بر محلهای سراسری و فرماندهی تیپهای مستقل هستند نیز مشمول ماده (۳) قانون تعیین حدود صلاحیت دادسراها و دادگاههای نظامی کشور مصوب مورخ ۱۳۳۳/۵/۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشند.

بنابراین با توجه به ماده واحده فوق، صرف درجه سرتیپ دومی ملاک عمل نیست بلکه جایگاه سازمانی وی نیز در تعیین صلاحیت رسیدگی نقش دارد و بدین لحاظ روشن است که رسیدگی به جرائم کلیه نظامیان دارای درجه سرتیپ دومی در صلاحیت مراجع قضائی ذی‌ربط در تهران نخواهد بود و عده کثیری از شمول این قانون خارج می‌شوند.

۲- ستاد کل نیروهای مسلح طی نامه شماره ۷/۲/۱۲۵-ط/۷۶/۱۰/۱۳ لیست محلهای سازمانی سراسری و بالاتر را احصاء نموده است که تطبیق درجه سرتیپ دومی با جایگاه سازمانی فرد با عنایت به لیست مذکور انجام می‌پذیرد.

۳- هرگونه اقدام جهت احضار فرماندهی که مشمول مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام هستند نیز با رعایت دستورالعمل نحوه احضار و جلب فرماندهان مصوب مقام معظم فرماندهی کل قوا، صرفاً از طریق دفتر ویژه سازمان قضائی نیروهای مسلح و از سوی دفتر فرماندهی کل قوا خواهد بود و هر یک از مراجع قضائی عمومی انقلاب و نظامی با رعایت مفاد این مصوبه نسبت به احضار فرماندهان اقدام می‌نمایند.